

## حقوق اداری

برای رفع این حاجت‌ها بین افراد بشر روابط مختلفی برقرار میگردد - مطالعه این روابط از نظر علمی وظیفه علم اجتماع و علم اقتصاد و از نظر تکالیف و حقوقی که افراد نسبت بهم دارند وظیفه علم اخلاق و حقوق است :

هرگاه افراد مردم قادر بودند که به تنهایی کلیه مباحثات خود را فراهم نمایند نه تشکیلات و سازمان اجتماعی لازم میشد نه علم اقتصادی وجود پیدا میکرد و نه افراد مردم تکالیف و حقوقی نسبت بهم دیگر دارا میشدند و نه موضوعی برای علم پیدا میشد ولی چون این ترتیب میسر نبوده و نیست و بشر مدنی الطبع است و حوایج انفرادی را بکمک اجتماع رفع مینماید در هر هیئتی ناگزیر و بخودی خود این مسئله مطرح میشود که روابط افراد و سازمان هیئت بچه قسمی باید باشد تا مطلوب هر يك و عموم بطور رضایت بخش حاصل شود .

حصول این منظور اساساً مربوط بدو عامل است :

اول طبیعت موافق دوم محیط اجتماعی مناسب مقصود از طبیعت موافق اینست که محیط طبیعی از حیث آب و هوا و خاک و رفور مواد ضروری جات قابل زیست و مستعد ترقی و نشو و نمای بشر باشد - مقصود از محیط اجتماعی مناسب آنست که سازمان و قوانین و رسوم هیئت اجتماع بطوری باشد که در آن رفع حوایج مادی و معنوی بشر آسان تر و کاملتر انجام پذیر باشد محیط اجتماعی برای اینکه مناسب باشد در هر يك از مراحل تمدن صورت مخصوصی داشته و باید داشته باشد ، زندگی چوینانی محتاج به تشکیلات و قواعدی است متفاوت با آنچه که در مرحله زندگی فلاحتی لازم است و همچنین در این مرحله تشکیلات و قوانین اجتماعی متفاوت است با آنچه که مناسب جامعه تجارتنی است - بالاخره تمدن دوره معاصر که در اثر پیدایش صنایع بزرگ و کارخانه های عظیم و ترقی علوم و اختراعات و سهولت وسایل حمل و نقل و ارتباطات پیدا شده است نیازمند سازمان و قواعدی است متفاوت با آنچه که لازمه صنایع کوچک و تمدن ساده قرون وسطی بوده است .

بدون اینکه بخواهیم وارد جزئیات مراحل مختلفه فوق الذکر بشویم میگوئیم از مطالعه وضع مدنیت های مختلف و مقامی که دولت یا حکومت در هر يك از آنها داشته و وظایفی را که انجام میداده یا بایستی انجام داد معلوم و مبرهن شده است که در مراحل اولیه تمدن احتیاجات بشر کم و ساده بوده و جنبه عمومی نداشته یعنی افراد خود را موظف بر رفع حوایج شخصی خود می دیدند و برای آن اقدام میکردند و از هیئت اجتماع و دولت یعنی از شخص یا اشخاصی که مقام دولت را داشته اند انتظار اینکه وسایل رفع حوایج آنها را فراهم نمایند نداشتند - معذک در همین مراحل اولیه اموری بوده که جنبه عمومی داشته است - مثلاً هرگاه نفوس و یا اموال قوم یا قبیله در معرض حمله و تجاوز بیگانگان می افتاد همگی احساس میکردند که در مقابل آن اقدام و دفاع عمومی دولت جمعی لازم است و آنرا وظیفه قوه حاکمه میدانستند و همچنین اموری دیگر مثل برقراری و حفظ امنیت و رسیدگی بدعاوی و شکایات افراد از همان دوره های اولیه تمدن جزء وظایف دولت شده است - جنگ و عدلیه و مالیه قدیمی ترین اموری هستند که در تمام کشور های جهان در ادوار اولیه تمدن وظایف منحصره دولت را تشکیل میداده اند .

مردم اعصار اولیه خارج از این وظایف حقاً وظیفه و تکلیفی دیگر برای دولت قائل نبودند و سایر امور اجتماعی را خارج از قلمرو اختیارات آن میدانستند بسیاری از چیز ها را که لازمه زندگی اجتماعی امروزه مالست مثل معارف و بهداشتی و طرق و شوارع و غیره یا اصلاً لازم نمیدیدند و یاد صورت احساس لزوم آنچه را که طبع قانع آنها لازم میدید خود تهیه میکردند و یا در نتیجه معامله و معاوضه خدمات و اموال بدون دخالت دولت بدست می آوردند - مثلاً امر تعلیم و تربیت کاملاً شخصی بوده با مردم اصلاً احتیاج

بداشتن موارد احساس نمیگردند و با در صورت احساس خود را موظف به تهیه وسایل آن میدانستند و لا غیر - و همچنین بوده است امر نظافت و بهداشت عمومی مردم اولیه این امور را بطوریکه ما امروزه می فهمیم و میخواهیم تصور نمی کردند و در حدود فهم و تصور خود هر شخصی خود را مسئول حفظ پاکیزگی و نظافت خانه و کوچه و معبر خود میدانست و از دولت و یا مقامی که جای آنرا داشت متوقع نبود که مکتب برای اطفال و بپزشک و دوا برای بیماران تهیه نماید .

ولی چون مراحل اولیه تمدن طی شد و بشر وارد مدارج عالیتر گردید کلیه این اوضاع تغییر کرد احتیاجات مردم بیشتر و وسایل رفع آن نیز مشکلتر گردید - قسمت عمده حوایج بوسایل غیر مستقیم یعنی در نتیجه معاوضات و مبادلات بر آورده شد جنبه خصوصی کارها و مشاغل و صنایع کاسته و جنبه عمومی آنها غالب گردید .

وظایف و مشاغل دولت نیز بهمین نسبت تغییر نمود و موارد دخالت او در امور اجتماعی بیشتر شد - مفهوم وظایف اولیه آن تغییر و توسعه پیدا کرده و مستلزم تشکیلات مفصلتر گردید مثلاً امر دفاع عمومی را در قدیم طور دیگری فهمیدند و اجرا میکردند - در صورتیکه امروز انجام آن در کلیه کشورها نظام وظیفه یعنی خدمت اجباری سربازی را برای تمام افراد بالغ ذکور کشور باعث شده است - و اداره امر نظام وظیفه خود محتاج به سازمان اداری مفصل و داشتن سجل احوال مرتب و آمار کامل افراد کشور است و همچنین است امر « امنیت » که لفظ آن در طی قرون عده ثابته مانده ولی معنی و مفهوم آن تغییر کلی یافته است - در قدیم شاید امنیت را در آن میدیدند که جاده ها امن بوده و کاروانها و اشخاص دچار حمله راهزنان نشوند - ولی امروزه از آن میخواهند که اداره جامعه طوری باشد که ترس و وحشت و عدم اطمینان از دچار شدن بحیله و تزویر و فریب و کلاهبرداری در کلیه امور اجتماعی مرتفع شده و هر کس مطمئن باشد آنچه که مطابق حق و قانون جماعت است صورت میگیرد و آنچه که مخالف آنست صورت پذیر نخواهد بود - و همچنین است لفظ عدالت که روز بروز معنی و مفهوم آن توسعه یافته و مساوات واقعی و حقیقی افراد

بشر نزدیک تر میشود .

لازمه تغییر این معانی تغییر وسایل اداره و اجرای آنهاست - بنا بر این قوه حا که چنانچه فقط با اداره وظایف اولیه خود میپرداخت از حدود آن تجاوز نمیکرد بعلمت تغییر و توسعه مفاهیم مزبور ناچار - زمان و اختیارات آن ترقی و توسعه پیدا می کرد - ولیکن محدود و مقید ساختن دولت در تنگنای چند وظیفه دور از منطق عقل سلیم است زیرا حدود دخالت دولت و وظایف آن باید متناسب بزندگی و اوضاع اجتماعی مردم باشد و اوضاع اجتماعی امر و کیفیتی ثابت نیست که حدود دخالت دولت نیز ثابت و بلا تغییر باشد مثلاً در میان قبیله چووان امر مرتع شاید مهم ترین امور حکومتی باشد در صورتیکه تمدن شهری برای آنکه مطابق مقتضای حیات و ترقی باشد وظایف تازه که در مراحل پیش قابل تصور نبوده است ایجاد مینماید (مثل نظافت و روشنایی گذره و بهداشت عمومی و غیره) در دوره های قدیم شاید جریان عادی تعلیم و تربیت انفرادی کافی بود و افراد را بر طبق احتیاجات و ضروریات اجتماعی تربیت میکرد ولی در صورتیکه حفظ و ترقی تمدن محتاج به تربیت مخصوص باشد وظیفه جامعه و دولت است که در این امر مهم اجتماعی دخالت کرده و وسایل آنرا فراهم نماید - و همچنین است مسئله حمل و نقل و طرق و شوارع و بهداشت عمومی و غیره .

اموریکه بیش از همه از نیمه آخر قرن نوزدهم ازدیاد مداخلات دول در امور اجتماعی و توسعه سازمان اداری را باعث شده است امور اقتصادی است و موجب آن تغییرات سریع و تقریباً ناگهانی است که در اثر ترقی علوم و صنایع و اکتشافات در این رشته اصلی زندگی اجتماعی حاصل شده است - مداخلات دولت در این امور گاهی برای حفظ و حمایت اقتصاد ملی در مقابل بیگانگان گاهی برای تشویق و هدایت و راهنمایی مولدین ثروت کشور گاهی برای حفظ و ایجاد اعتدال بین تولید و مصرف گاهی برای برقراری و حفظ عدالت در بین مولدین ثروت مخصوصاً کارگران و کارفرمایان است به تناسب این وظائف ادارات و بشکاه های دولتی جدید تأسیس شده و با سازمان و اختیارات مؤسسات و ادارات سابق توسعه پیدا کرده است .